

این فوتبال چقدر می‌ارزد؟

فصل جدید لیگ برتر که شروع می شود، تب

فوتبال باشگاهی دوباره بالامی گیرد و شور و

این تب شامل درخشش ستاره‌ها، کیفیت بالای بازی‌ها و تیم‌ها نمی‌شود و تمام هیجان لیگ را باید در حواشی، جنجال‌ها، اعتراض‌ها، کیفیت پایین مسابقات و صدا البته نبود ستاره در زمین جست‌وجو کرد.

Page 10 of 10

حرفه‌ای شدن فوتبال در کشور ما تنها به پرداخت دستمزدهای نجومی خلاصه نمی‌شود و خبر آن از بازیکن‌سازی، ظهور بازیکنان جدید و درخشش ستاره‌ها در می‌ماند. اینکه تنها مطرح کردن این استفاده از بازیکنان کسب‌وکار نیست. البته آنها سرمایه‌گذاری می‌کنند حتی در بازی‌های سرگشته‌شان به وسایل مورد نیاز خود می‌پردازند. در این میان، موضوعی که در لیگ ما دهنده، برنامۀ کاملاً حساب‌شده است. موضوعی که در لیگ ما هنوز به چنین وضعیت‌هایی نرسیده است. آن‌ها علاوه بر این خلاصه‌واره واقع در لیگ برتر برای هیچ کس مهم نیست. تعدد دایلی تأثیرگذار در بحران نداشتن ستاره باعث می‌شود در این گزارش تنها به چند مورد مهم آن اشاره کنیم.

■ آینده‌ای در کار نیست!

تعداد تیم‌های لیگ برتر امسال افزایش یافته و ۱۸ تیم رقابت برای قهرمانی را آغاز کرده‌اند. اما پرواض است که هیچ کدام از این تیم‌ها چه مدعیان قهرمانی، چه تیم‌های متوسط و کم‌اهمیت که از همین حالا برای بقا و سقوط کردن می‌جنگند، هیچ کدام به پیش از یک فصل فکر نمی‌کنند. درواقع بهتر است بگوییم در فوتبال ما سال‌هاست مسئولان و دست‌اندرکاران، ناپایان‌توش ببنی‌شان را می‌بینند و همین که مستشان را حفظ کنند و اخراج نشوند کافیست برای آن‌ها می‌کند.

گرهگیر از این بود، مدیران باشگاه‌ها برای خرید بازیکنان بنجل، بی کیفیت و گمنام حاضر به پرداخت میلیاردها تومان نمی‌شدند. با لاف زبانی آشنایان هر کس که می‌تواند برای بازیکنان می‌فروشد؛ آشنایان می‌فروشد و همه برای آشنایان خرید می‌کنند. بازیکنان باشگاه در قراردادهای حج می‌شود و می‌تواند که همه توان‌شان را در آن حاشیه‌سازی به کار می‌گیرند، نه درخشان در زمین. با همین تفکر برای مربیان هم، داشتن بازیکن اسوم و رس‌پار که در بازی‌های حساس حریف جنگال و حواسی و قیام و هوداران شود، مهم است. بازیکنان از چهره‌های مسندتی است که در حسرت دیده شدن می‌پیدا کرد. هر فرصت می‌تواند.

■ یس رفت باشگاهی، و ملی،

از آخرین بازی که فوتبال ایران رنگ ستاره واقعی به خودش دیده، مدت‌ها می‌گذرد. هر چند عملکرد برخی ملی‌پوشان کشورمان در جام جهانی اخیر خوب بود، اما باید دید آیا تیم که بازی قدر نفوذ بهتر از بقیه بود، در گم‌هفتجانی خیره‌ناک از ظهور ستاره‌ها احساس کمین است. مهدی طارمی آخرین ستاره فوتبال ماست که البته در فوکلش کرده و عملی هم در لیگ‌های اروپایی ننمایان شد. طارمی هم با سن گذاشته و افشول کرده و اصلاً از سطح اول فوتبال اروپا فاصله گرفته است. منتها نه جایگزینی برای طارمی داریم و نه جایگزینی برای ستاره‌های پرشمار نسل‌های قبل. در حقیقت تفکر جدی حواشی پوپول‌پاشی در فوتبال شدید که را در افروشی کردیم! کمبود مهفدرهای کلیدی و ستاره‌هایی که سرنوشته بازی را در زمین عوض کنند، انقدر شدید است که روزگاری کارلوس کلسو، تیم‌روس ترجیح می‌داد بازیکنان ناشناس ایرانی را از سراسر دنیا به تیم‌های دعوت کند. هر چند انکا صرف به لژیونرها منتقدان زیادی داشت، اما سرمربی پرتمالی خیالش از این راحت بود که باشگاه‌های اروپایی اصول و استانداردهای اولیه فوتبال را رعایت می‌کنند.

در لیگ برتر، حتی با ذره‌بین هم نمی‌توان ستاره پیدا کرد و بهترین بازیکنان مان
در حقیقت بازیکنان متوسطی هستند که عملکردشان اندکی بهتر از سایرین است.
تأثیر مستقیم این پس‌رفت و ضعف در تیم ملی و در آوردگاهی چون جام جهانی
به‌وضوح عیان شد.

گزارش ۲
دنیا حیدری

فصل جدید رقابت‌های

MATERIALS AND METHODS

باشد. مربانی که شناخت کافی از فوتبال ایران ندارد و همین مسئله می تواند زمینه نفوذتشان را فراهم کند. باوجود این، مارخ داد اتفاقی نادر قبل از به صدا آمدن سوت آغاز رقابت های این فصل نهایی های ایران در روزیادی ایجاد کرد. مسئله به چهار تغییر نهایی ای که قبل از شروع فصل برمی گردد. غلامرضا خلیفه ای که قبل از لیگ برتری شدن نفت ابدان جای پور موسوی را روی نیمکت این تیم گرفته بود، قبلاً از به صدا آمدن سوت بازی لیگ بیست وششم ششمش را به جاسر آری سرود. همان طو، یک پور موسوی که تصویری کرد در این استرید

فصل جاری هدایت ذوب آهن را به عهده بگیرد، اما قبل از نخستین تجربه باین تیم جایگاهش به عبدالله و یسی پیش کش شد. در همین راستا ساکت الهامی، جایگزین سعید دقیقی در پیکان شد و جواد نکونام هم به جای محمد ربیعی، سکان هدایت تراکتور را در دست گرفت. تغییراتی عجیب و زود هنگام که این مربیان را ایجاد کرد که هم مبدا به همین ارزیابی است؛ به اندازه مربیان خارجی که فرصت مهلت برای جذب اندام داده نشود.

فرصت طلایی ■ با وجود تمام نگرانی‌ها، اما نمی‌توان جنبه‌های مثبت



نیکیست شاهزاده‌های لیگ برتری به طور جدی در اختیار مریم‌اندلس است. مریم به امپراتور رسیدنی به هدفی به کاردزدی‌های حمایت‌شوند. غیر این صورت هر اندازه هم که توانمند باشند، نمی‌توانند کل مسیر به تنهایی بپیمایند. اعتماد به مریم داخلی به معنای مصونیت از دست نیستی؛ یک شک مریم داخلی به وقت ازوم با دست‌نخورده اشتباهاتش باشد، اما از زمانی که دو سلب‌کار در پی او می‌روند و به خطا می‌روند، هر فرصت داد، فرصت شناختن و ازوم به خطا هم‌طور که وقت‌فال بر ساخته‌شدن به زمان است. مریم به برای اعمال تفکراتش نیاز به شناخت می‌یابد و ایجاد هماهنگی بین دیدگاه خود با شناسایی تکنیک‌های مدیر دارد و این مسیر دیدگاه از سوی کار مدیری، پادشاه و سکه‌های می‌تواند او را در پیمودن مسیر یاری کند. اما به شرط آنکه تصمیم‌گیری و ازوم به چهار نتیجه به یک تصمیم خوب را از خراب ندهد و به ضرر نیفتد، از ضرر می‌پرهیزد.

چه می‌خواهیم

جی‌شک اما برای رسیدن به سر منزل مقصود باید بدانیم که چه می‌خواهیم. چه در زمین مسابقه و چه خارج از

این اتفاق را نادیده گرفت. سال‌هاست که مربیان ایرانی گله‌مند هستند که چرا فرصت دیده شدن به

این اتفاق را نادیده گرفت. سال‌هاست که مرزبان
 آنها گلمند هستند که چارفاست شدن بدنه پد
 برانگیخته می‌شود؟ البته که می‌رهم هم می‌تواند
 چشم و هم چشمی باشگاه‌ها و نوع نگاه مدیران نالایق
 فوتبال ایران باعث شد تا استعدادهای قابل توجه
 مرزبان ایرانی مروج‌تر قرار بگیرد. می‌تواند استاده
 از مرزبان چارژی می‌تواند باعث بالا رفتن تجربه و
 افزایش کیفیت فوتبال ایران شود. اما به شرط آنکه
 نتیجه و هزینه آن چند برابر شود و منعفاش باشد
 انتخاب‌ها برپایه شایسته‌سالاری باشد، نه صرفاً
 خارج بودن! اما بی‌اراهه نیست اگر بگوییم که گاهی
 پسوند می‌شوند چارژی بودن باعث جدایی می‌شود
 و مانع از اخذ تصمیم درست، اما با نیت به جبر مرزبان
 باعث تغییر در است. قریب بهماره بار در چند زمانه

خارجی در فصلی که گذشت و بالا رفتن هزینه جذب آنها باعث شد تا امسال مدیران با دقت بیشتری به



■ جوانگرایی معنایی ندارد

در فوتبالی که برنامه‌ای برای استعدادیابی، سرمایه‌گذاری روی چهره‌های تازه‌نفس و پیشینه‌ناسازی برای آینده جای ندارد، به‌هیچ‌وجه نباید «جوانگرایی» حرف زد. بازگشت به این واژه در مستطیل پیران اصلا تفریح نشده و کمترین دلیلی هم بر مری حاضر می‌شوند رسماً برای کار را رد نمی‌دهد. در تورهای که با بازیکنان کمتر ۲۲-۳۱ سال شادمانه و بالای تیم‌های بزرگی چون بارسلونا و اسپانیئا را تشکیل می‌دهند، طبیعتاً بازیکنان بالای ۳۰سال جوانان زیادی نخواهند داشت. حتی یک گل می‌بارد و فوتبال‌بازی‌های باز می‌تواند نادر ستاره‌هایی محبوب من شود اما خواهند تابیش از بیش جا برای درخشش جوانان باز شود. ولی اینجا از زمین به آسمان می‌پرد و فوتبال‌بازی‌های می‌شدند و نشاندند تنها در دستمزدشان تخفیف نمی‌دهند، بلکه به دیگرها و به خاطر عملکردشان در جام جهانی، خواهان دریافت دستمزد ۲۰میلیارد می‌شوند؛ متأسفانه با این درخواست غیر حرفه‌ای نتنها بر خورد نمی‌شود، بلکه همچنان بانگاه‌های متوسل آغوش‌شان به روی چنین بازیکنان پرمدعا و تمام‌نشدنی‌ها باز است. این وانفاسی اقتصادی با این ارقام و کم‌کمتری، می‌توان به چندین جوان آینده‌دار فرصت تست تجربه و درخشش در زمین داد.

■ بی توجهی به پایه‌ها

غول‌های فوتبال جهان به همان اندازه که برای تیم اصلی شان برنامه‌ریزی و هزینه می‌کنند، برای آکادمی و تیم‌های پایه خود نیز در بحث برنامه و هزینه کم نمی‌گذارند. ستاره‌های جوان بارسلونا محصول لاماسیا (آکادمی باشگاه بارسلونا) هستند؛ از سن

اینکه فوتبال هوادار زیاد دارد، اینکه
فوتبال پول زیاد دارد، اینکه فوتبال

نگاه

فریدون حسن

اینکه فوتبال هوادار، زیاد دارد، اینکه فوتبال پول زیاد دارد، اینکه فوتبال حاشیه زیاد دارد، اینکه تمام عالم و آدم در جذایت فوتبال کم کنند. همه و همه دست که هیچ کس نمی تواند منکرش شود. ای نتیجه می دهد. فوتبالی که هوادار با لای که هوادار را برای ساعتی از تمام یابی که به لحاظ بصری و فنی شما را در

فوتبال باید وقت گذاشت. برای فوتبال
که زیر فشار حاشیه‌ها دوام بیاورد،
همه فوتبالی باشد که از دیدنش لذت
ببرد. داناتان می‌گویند ارزشش را داشت.
ارزشش را داشت که وقت بگذاریم و
ارزشش را داشت که حرف‌های دنیا همین
طور است. فوتبالیست‌ها می‌توانند
حاشیه‌هایش را تحمل کنند

نامپپونه، بوندس لیگا و سری ا، ارزشش تحویل می دهند. تا دلتان بخواهد حاشیه بوند، اما خروجی تمام آنها فوتبالی است می برید. از اسپانیا گرفته تا ایتالیا و آلمان ش تمام هزینه کردها را دارد. حالا سؤال شما را دارد؟

زنگنه در ست و حسابی، بدون پوشش بالایی، فقط یک چیزش با فو تبیل جهان پول خرج می شود. اما آا چنین فو تبایی نبود. استقلال و پرسپولیس همچنان آواره بود. به صد در نیامده که فو باده اعتراضها است و هیچ کس هم نمی تواند منکرشان است که از زرش راداشته باشد. آا لیگ

یگی که ۲۵ دوره نام حرفه‌ای بودن را به
ه چیزی از حرفه‌ای بودن در آن دیده
فقط حاشیه‌هایش پررنگ‌تر شده. لیگی
رفی برای گفتن ندارد و حتی امروز هم
شده سال‌های دور است. تکرار می‌کنیم:
این همه هزینه مادی و معنوی برایش

مصاف به دور باشد که این دوره را قضاوت
است و آنچه که از گذشته با ما مانده،
افتخار کرد. آنچه که با ما مانده، چیزی
رست شدن فوتبال که همچنان روی

چ تلاش برای پیشرفت صورت نگرفته. د با همان تفکرات ویرانگر قبلی. مربیان وسط فقط قیمت‌هایشان بالاتر رفته، وود نشان.

ه دارد. فوتبال جهان منبع ثروت اندوزی سیاستمداران خودشان را به فوتبال رزشش را داشته باشد. حالا برای آخرین نگاهی ایران واقعاً ارزش این همه حاشیه ما پاسخ بدهید.

تیم تینم ملاک است یا صرفاً کسب نتیجه؟
 اهمیت دارد یا رسیدن به آنست امتیاز بازی؟
 چه می‌خواهیم. یک بازی هجومی یا نتیجه‌محور؟
 تینم به سهیمه و جام قهرمانی یا ثبات؟
 تیمی است متفاوت یا یکبختی حضور دارد.
 انانیت است و دیگری بقا. لیگ دارد یا نه؟
 نادانان رضایت از اجب می‌کنند و آن را
 هرکس به حساب می‌برد. بر همین اساس باید
 سهیمه، جام و لحاظ فنی، چه مالی و چه
 وقتی بدینچه می‌خواهیم، نه تسدست آن
 ششم و نه بی‌مهایان به انتقاد بازی می‌کنیم.
 رفوز از پشت میز در می‌آیم و بر غیره
 می‌کنیم برای تمامج دور از انتظار. در
 می‌توان به موفقیت امیدوار بود نه موفقیت
 واقع مسئله اصلی کیفیت است. کیفیت
 به صالبت به کیفیت حیات و مهیا کرد
 برابط از ادب مستقیم دارد.

تغییر نسل

و راهی توان از یک منظر دیگر به دید
چک از مرزبان این فصل با ۴۰ سال
گیگی سنی آنها حدود ۴۰ سال و چند ماه
و که ویسی با ۵۵ سال سن مست‌ترین
اجباری با ۴۰ سال سن جوان‌ترین، از
ده می‌توان چسب به عنوان تغییر نسل
در تیم ملی به‌رخی آن‌ها شاید تا همین
روز صورتش را هم نمی‌کردند بتوانند
گفتار از همتیان خارجی خود برآیند برای
مستمن روز نمک‌تیم‌های گی برتری
امروز شانس به آنها برز کرده است
سناناسی که اگر با تغییر ساختار و
دیدار همه‌را باشد، می‌تواند انقلابی
فوتبال باشگاهی ایران باشد. چرا که کافی
است این نسل خود نتیجه بگیرد تا از
این‌ها عمل شود. اعتمادی که آنها را تشویق
کرد برای بروز کردن دانش و اطلاعات
و کمترین نتیجه این ماجرا، پیشرفت
فوتبال ایران خواهد بود. این اجازه دهیم.
کم‌طاق و روزجوش نباشیم.

